

### سقوط مرگبار از پشت بام

یک متهم که خود را در معرض دستگیری می دید هنگام فرار از روی پشت بام خانه همسایه اش سقوط کرد و دردم جان سپرد.

چندی پیش جوان ۳۲ ساله ای به نام «حمید» هنگامی که خود را در حلقه محاصره پلیس دید تصمیم به فرار گرفت، اما از روی پشت بام خانه همسایه اش به پایین پرت شد و جان سپرد. ماموران پس از اینکه جسد این متهم را به پزشکی قانونی انتقال دادند، تحقیقاتی را پیرامون جرم وی از یک راننده که شاکمی او بود آغاز کردند و او گفت: در فلکه سوم تهرانپارس بودم که جوان ناشناسی از من خواست او را در بست به خیابان «ریحانچی» برسانم.

آن مسافر که خود را «حمید» معرفی کرده بود سر صحبت را باز و ادعا کرد خبرنگار است. در مسیر راه خیلی با هم صحبت کردیم تا اینکه به خانه اش رسیدیم و چند بار زنگ زد اما کسی جواب نداد. به همین دلیل «حمید» از من خواست موبایلم را در اختیارش بگذارم تا با پسرش تماس بگیرد. در آن حال پسر بچه ای به نام «پوریا» در ورودی ساختمان را باز کرد و «حمید» برای آوردن کرایه داخل ساختمان رفت، در آن لحظه مردی که می گفت برادر «حمید» است بیرون آمد و ادعا کرد مسافر معتاد است و نباید موبایلم را به او می دادم که در اینجا بود که با پلیس تماس گرفتم و در پی آن چنین اتفاقی افتاد.

### حکم عجیب بزرگان یک روستای بنگلادشی

دختر بنگلادشی که مورد تعرض قرار گرفته بود در یک اقدام عجیب به ۱۰۱ ضربه شلاق محکوم شد و مرد شیطان صفت مورد بخشش قرار گرفت.

بنا به این گزارش، یک دختر بنگلادشی بعد از اینکه مورد آزار و اذیت یک پسر جوان قرار گرفت، در یک اقدام عجیب و سریع با او ازدواج کرد اما چند هفته بعد زمانی که تست بارداری وی مثبت اعلام شد از همسر خود جدا شد.

این حادثه در حالی اتفاق افتاد که قربانی ناخواسته تن به ازدواج داده بود و هیچ اقدامی هم برای شکایت علیه مرد متجاوز انجام نداد و قضیه تجاوز به او بعد از مشخص شدن بارداری وی فاش شد. که در این میان مرد متجاوز که همسرش بود موضوع را اعلام و بدین ترتیب تعدادی از بزرگان روستا دستور دادند دختر باید با ضربات شلاق تنبیه شود.

این در حالی است که مرد متجاوز مورد بخشش قرار گرفت و خانواده این دختر تا زمانی که مجازاتهای اعمال شده علیه آنها را اجرا نکنند در نزد اهالی روستا طرد خواهند شد.

### سناریوی پیچیده سه کلاهبردار

سه مرد با طراحی ترفندی زیر کانه در نقش مالک، مستاجر، بنگاهدار، خریداران خانه را به طرز ماهرانه ای فریب دادند.

هفته گذشته مرد ۳۱ ساله ای به دادسرای ناحیه تهران مراجعه کرد و گفت: مدتی بود دنبال یک واحد آپارتمان مناسب برای خرید می گشتم تا اینکه یک بنگاهدار قدیمی و مورد اطمینان به من پیشنهاد داد یک ملک کلنگی را بخرم. بعد از اعلام موافقت به همراه صاحبخانه که مردی مسن بود و خود بنگاهدار به آنجا رفتم. در آن خانه مستاجر زندگی می کرد و با دیدن پیر مرد با او به عنوان مالک صحبت کرد. تمام شواهد از جمله گفت و گوی مالک و مستاجر و همچنین صاحب نام بودن بنگاه نشان می داد در این معامله اشکالی وجود ندارد. از طرفی سندش را نیز به من نشان داد و در نهایت من مبلغ ۸۰ میلیون تومان از کل قیمت ۱۵۰ میلیون تومان را پرداخت کردم و قرار شد پس از انجام کارهای استعلامی و اداره ثبت و غیره مابقی مبلغ را هنگام انتقال سند در دفترخانه اسناد پرداخت کنم، اما دو روز بعد که برای استعلام رفته بودم، صاحب بنگاه املاک با من تماس گرفت و گفت: مالک از قیمت توافقی منصرف شده و می خواهد قرارداد را فسخ کند.

من بلافاصله خودم را به بنگاه املاک رساندم و در کمال تعجب دیدم آنجا تخلیه شده و در پیگیری های بعدی متوجه شدم سند ملک هم جعلی است و مستاجر و



مالک نیز هر دو قلابی بودند... پس از اظهارات این مرد جوان، پلیس آگاهی در تحقیقات اولیه دریافت بنگاه مورد نظر سالها با مدیریت فرد دیگری در آن محل فعالیت داشته و مدیر آن حدود دو ماه قبل به علت تغییر شغل مغازه را تحویل مالک اصلی مغازه داده و متهمان مغازه را از مالک اجاره کرده بودند و در ادامه مشخص شد متهم از چند نفر دیگر نیز تحت عناوین دیگری مبالغ هنگفتی دریافت کرده و مالباختگان نیز در مراجع انتظامی و قضایی از وی شکایت کرده اند.

به این ترتیب کار آگاهان با تلاش شبانه روزی موفق شدند متهم اصلی به نام سیامک را به همراه پسرعمو و پدر همسر وی که به عنوان همدستانش در شهر قدس نیز مشاور املاک جدیدی تاسیس کرده و در آن محل نیز از تعداد زیادی از شهروندان به همین شیوه کلاهبرداری می کردند را دستگیر کنند.

### دروغ بزرگ مشکل ساز شد

دانشجویی که در یک جمع دوستانه به قتل مرد جوانی اعتراف کرده بود، دستگیر شد.



هفته گذشته دختر جوانی با پلیس تماس گرفت و گفت: من دانشجوی هستم و در یک خوابگاه خصوصی زندگی می کنم. دقیقی قبل به طور ناخواسته صحبت های یکی از دانشجویان را که با دو تن از دوستانش حرف می زد شنیدم. او گفت چندی قبل یک مرد جوان را به دلایلی در شمال کشور کشته است.

ماموران پس از شنیدن اظهارات دختر جوان، بلافاصله راهی خوابگاه مورد نظر شدند و پس از تحقیق و بررسی «ندا» دانشجوی جوان را دستگیر کردند.

دانشجوی جوان که با مشاهده ماموران به شدت ناراحت شده بود، بلافاصله اظهاراتش را دروغ خواند و گفت: آنچه را که گفته ام یک داستان خیالی بود و واقعیت نداشت. با این حال وی دستگیر شد و صبح دپورز برای بازجویی به بازپرسی دادسرای جنایی تهران انتقال یافت.

در دادسرای جنایی هم باز پرس ویژه از وی خواست حقیقت را بگوید و او گفت: من دانشجوی پزشکی هستم چند سال قبل از همسرم جدا شده و تنها فرزندم را نیز به خانواده شوهرم سپردم و خودم در تهران درس می خوانم و در یک خوابگاه خصوصی زندگی می کنم و از آنجا که در زندگی متاهلی شکست خورده ام، کمی افسردگی دارم.

او ادامه داد: بیشتر اوقات تنها هستم و با کسی صحبت نمی کنم، تا اینکه شب گذشته چند تن از دوستانم به سراغم آمدند و سر به سرم گذاشتند، اما چون عصبی بودم، با لحن تندی گفتم ولم کنید اینقدر سر به سرم نگذارید، من قبلاً یک مرد جوان را کشته ام!

«ندا» در حالی که بغض کرده بود، گفت: می خواستم کاری کنم تا دوستانم دست از سرم بردارند و از من بترسند.

باز پرس پس از شنیدن اظهارات دانشجوی جوان، وی را بازداشت کرد و از کار آگاهان خواست تا با بررسی سوابق زن جوان تحقیقات لازم را انجام دهند تا حقیقت ماجرا روشن شود.